



بررسی تطبیقی مجازات قتل در نظام کیفری یهود و فقه امامیه

سید علی ربّانی موسویان^۱
علیرضا میلانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: 1400/07/18 تاریخ پذیرش نهایی: 1400/09/24

چکیده

از اهم مسائل حقوقی دو مذهب یهود و امامیه مباحث کیفری و بزه شناسی می‌باشد، مهم‌ترین بزه نیز در میان جرائم، قتل است. لذا این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه تطبیقی مجازات قتل، شرایط و کیفیت اجرای آن در دو مذهب مذکور بپردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اگر چه اثبات عمدی بودن قتل بر اساس حقوق یهودی مشکل‌تر از فقه امامیه می‌نماید اما در حقوق یهودی همین مقدار که مطلق جرم قتل (عمدی و غیرعمدی) اثبات گردد، مجازات آن منحصرأ سلب حیات خواهد بود و مجازات‌های دیگر به منزله استثنا از این حکم می‌باشد. در ناحیه شرایط نیز تفاوت‌های متعددی در حقوق کیفری دو مذهب وجود دارد.

کلید واژه‌ها

کیفر قتل، شرایط مجازات قتل، مجازات سلب حیات، حقوق کیفری یهود، فقه امامیه.

مقدمه

باتوجه به منابع و متون حقوقی آیین یهود، جرائم در این آیین در چهار قالب قابل بررسی است. 1- جرایم برضد اشخاص 2- جرایم برضد اموال 3- جرایم برضد امنیت جامعه 4- جرایم دینی خاص. در این میان جرم‌انگاری در حقوق یهود، در جرایم برضد اشخاص و جرایم دینی خاص، شدیدتر از دوحوزه دیگر است. هدف مستقیم از جرایم نوع اول، حق حیات انسان و اصل

^۱ استادیار و عضو هیات علمی، گروه فقه و حقوق، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسئول): a.rabbani110@yahoo.com
^۲ استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. alirezamillani@yahoo.com

مصونیت وی از هرگونه تعرض است. در نظام‌های مختلف حقوقی از جمله اسلام این دسته از جرایم، شدیدترین مجازات‌ها را در پی دارند. مهم‌ترین جرایم این دسته عبارت‌اند از: قتل، ضرب و جرح و سقط جنین. در این نوشتار برآنیم با هدف تشخیص نقاط اشتراک و افتراق، اهم جرائم این دسته یعنی بزه قتل را از نظر شرایط و کیفیت اجرای مجازات به صورت تطبیقی در دو نظام حقوقی مذهب امامیه و آیین یهود مورد بررسی قرار دهیم. نزدیک‌ترین مواردی که جستجو در پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد عبارتند از:

الف- سلیمانی در مقاله‌ای با عنوان ((مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود))، وی ضمن بیان اینکه ((ده فرمان)) آغاز و مبنای شریعت موسوی است و تمام شریعت یهود از جمله احکام کیفری آن در این فرمان‌ها ریشه داشته و برجسته است، به بررسی مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود از جمله کیفر کفرگویی، حرمت‌شکنی روز شنبه، زنا، سرقت و قتل پرداخته است. (سلیمانی، ص 242)

ب- غفوری نژاد و رسولخانی در مقاله‌ای تحت عنوان ((مقایسه تطبیقی مجازات در متون یهود و اسلام))، به صورت مروری سه جرم قتل، زنا و سرقت را مورد مطالعه قرار داده‌اند و در قسمت جرم قتل، به انواع، راه‌های اثبات و مجازات قتل به اختصار اشاره نموده‌اند. (غفوری‌نژاد و رسولخانی، صص 134-143)

مقدمتا باید گفت در حقوق کیفری یهود قتل به دو نوع اصلی (عمد و غیرعمد) تقسیم می‌شود و ملاک اصلی در عامدانه بودن قتل، وجود عنصر روانی است. این عنصر روانی ناظر بر وجود خواست سلب حیات و یا خواست ایراد جراحت نوعاً قتاله است.¹

در تورات چنین مقرر داشته: اگر از روی بغض او را با تیغ زد یا قاصدا چیزی بر او انداخت که مرد یا از روی عداوت او را با دست خود زد که مرد، آن زننده چون قاتل است البته کشته شود (اعداد، 35: 20-21 و تثنیه 19: 11 و خروج 21: 14)

همچنین تورات مقرر می‌دارد: اگر او را به آلت آهنین زد که مرد، او قاتل است. اگر او را با دست خود به سنگی که از آن کسی کشته شود بزند تا بمیرد او قاتل است. و اگر او را به چوب

¹ یکی از ممیزات اصلی حقوق یهودی از حقوق اسلامی در تشخیص عمد از غیر عمد در مرحله اثبات، احراز اخطار شاهد به قاتل قبل از انجام جنایت برای تمییز بین مجرم عمد (مزید) و غیرعمد (شوگگ) است که کار اثبات عمد را بسیار مشکل می‌سازد. بر اساس حقوق یهودی وظیفه مقام قضائی است که ثابت کند بلافاصله پیش از اینکه متهم مرتکب جرم شود دو شاهد صلاحیت دار به صراحت به وی اخطار داده اند که ارتکاب این عمل خلاف قانون است و اگر مرتکب این عمل شود سزاوار مجازات خاصی خواهد بود که قانون برای آن معین کرده است. (سلیمانی، 1384: 210)

دستی‌ای که با آن کسی کشته شود بزند او قاتل است و قاتل البته کشته شود. (اعداد، 35: 16-18)

این عبارات به صراحت ملاک قتل عمد را استفاده از آلت قتاله دانسته است. همانطور که در روایت صحیحی از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است: العمد کل ما اعتمد شیئا فاصابه بحدیده او بحجر او بعصا او بوزنه فهذا کله عمد و الخطا من اعتمد شیئا فاصاب غیره، عمد آن است که انسان با قصد کسی را با آهن یا سنگ یا عصا یا مشت مورد هدف قرار دهد و به آن اصابت نماید. (کلینی، 1393: ج 10، ص 142) فقها در توجیه عمد بودن این مورد گفته‌اند: وقتی فعلی را قصد کند که غالبا کشنده است اگرچه به واسطه آن فعل، قصد قتل نداشته باشد در این صورت قصد فعلی که غالبا قتل به واسطه آن تحقق پیدا می‌کند از قصد قتل غیر قابل انفکاک می‌باشد نهایت آنکه قتل، مقصود بالتبع است و فعل، مقصود بالاصاله و این امر موجب نمی‌شود عمل ارتكابی از عنوان عمد خارج گردد، کسی که به شخصی با آلت قتاله ضربه‌ای وارد می‌نماید و به قتاله بودن آلت هم علم دارد در دیدگاه عرف قاتل عمد محسوب می‌گردد اگرچه نیت قتل نداشته باشد. (مرتضوی، 1381: ج 2، ص 29)

در حقوق کیفری اسلام جنایت قتل در گام نخست به دو نوع عمد و غیرعمد، تقسیم شده و قتل غیرعمدی خود به دو قسم شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌گردد که چنین تقسیم‌بندی در نظام کیفری یهود مشاهده نمی‌گردد.

و در مقابل در حقوق کیفری یهود، شاهد تقسیم قتل عمد به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم هستیم که چنین تقسیم‌بندی در نظام حقوقی اسلامی مشاهده نمی‌گردد. اما در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران کلیه جنایات و به تبع آن جنایت قتل به سه دسته‌ی عمدی و شبه عمدی و خطای محض تقسیم می‌شود.¹

1- کیفر قتل عمدی در آیین یهود و فقه امامیه

از مطالعه منابع حقوق کیفری یهود به دست می‌آید در نظام جزایی یهودی سه نوع مجازات برای قتل در نظر گرفته شده که هر یک از آنها متناسب با مورد خود اعمال می‌گردد. و در مقابل نظام جزایی اسلامی به طور مشخص دو مجازات قصاص و دیه و البته کفاره را به ترتیب برای قتل عمد و غیرعمد در نظر گرفته است که در مورد اخیر در صورتیکه قتل از نوع شبه عمد باشد

¹ ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی 1392: جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.

پرداخت دیه بر عهده خود جانی و در صورتیکه از نوع خطای محض باشد بر عهده عاقله وی خواهد بود.

1-1- مجازات سالب حیات

شدیدترین نوع مجازات قتل در نظام کیفری یهود، سلب حیات است که به قتل عمد اختصاص دارد. تورات در چندین جا به صراحت اعلام می‌کند که حکم قتل عمد قصاص است: کسی که انسانی را عمدا بزند و او بمیرد حتما قصاص می‌شود (خروج، 21: 12) (خروج 21: 23 و 22 و 25) (اعداد 35: 16 الی 22) (تثنیه، 19: 21)

در سفر لاویان باب 22 نیز آمده است: کسی که دیگری را بکشد، کشته خواهد شد و اگر کسی حیوانی را بکشد باید عوض آن را بدهد. نفس در مقابل نفس است کسی که حیوانی را می‌کشد باید عوض آن را بدهد و کسی که انسانی را می‌کشد کشته خواهد شد. حکمی واحد است برای همه افراد، غریب و متوطن در آن مساویند. (لاویان، 22: 16-23)

بنابراین حکم قصاص در مورد مجازات قتل عمد از احکام منصوص و قطعی تورات است. قرآن کریم نیز به صراحت وجوب حکم قصاص را بیان نموده (بقره 178) و به قصاص جان در مقابل جان حکم کرده (مائده 45) و برای ولی دم، سلطه در قصاص قائل شده (اسراء 33) و اجرای قصاص را متضمن حیات دانسته (بقره 179) و حدود ده آیه قرآن به بیان احکام مربوط به آن اختصاص یافته است. (سیوری، 1385، 2: 353-376)

قصاص نزد بنی اسرائیل به هیچ وجه تبدیل نمی‌شود و انجام و استیفای آن بر هر واجبی تقدم دارد. در این مورد تورات مقرر داشته: و از قاتل گناهکار فدیة قبول نکنید بلکه او باید حتما قصاص شود همچنان از قاتلی که به شهرهای ملجا پناهنده شده فدیة نگیرید. زمینی را که در آن ساکنید آلوده نسازید. چون خون زمین را آلوده می‌کند و این آلودگی به هیچ وجه زدوده نمی‌شود مگر با قصاص آن کسی که این خون را ریخته است. (اعداد، 35: 32 و 33)

مجازات قتل عمد در قوانین جزایی اسلام مانند قوانین جزایی یهود قصاص است با این تفاوت که ولی دم در آن مانند آیین یهود بی اختیار نیست بلکه حق عفو یا مصالحه دارد و از طرف دیگر بر خلاف قوانین یهودی قصاص با توافق طرفین یعنی ولی دم و جانی قابلیت تبدیل شدن به دیه را دارد. در تورات تنها دو مورد تبدیل قصاص به غرامت مالی ملاحظه می‌شود که از این دو مورد میتوان استنباط نمود هر جا قتل به تسبیب صورت گیرد نه به مباشرت میتوان در آن حکم به فدیة کرد و عوض قصاص، غرامت مالی دریافت نمود اگرچه به نظر می‌رسد مفسران تلمودی به

چنین استنباط کلی دست نیافته باشند.^۱ در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز به تبع از فقه امامیه مجازات قتل عمدی قصاص است این مهم خصوصا در دو ماده‌ی 16 و 381 از قانون مجازات اسلامی تصریح شده است.^۲ به نظر می‌رسد روشی که نظام کیفری یهود در مجازات قتل پیشگرفته سرسختانه تر بوده و امکان رهایی از آن را فراهم ننموده ولو با توافق طرفین و از سوی دیگر حکم نظام کیفری امامیه می‌تواند میزان موارد قصاص نفس را کاهش داده و امکان ترویج فرهنگ عفو را فراهم و با ملاک‌های حقوق بشری موجود نیز سازگارتر آید.

1-2- مجازات‌های غیر سالب حیات

صرفنظر از مجازات سالب حیات گاهی شاهد پیش بینی مجازات‌های دیگری نظیر تبعید و یا مجازات‌های سالب آزادی در کیش یهود و دیه و تعزیر در فقه امامیه در این خصوص نیز هستیم

1-2-1- تبعید به شهرهای امن و حبس ابد در کیش یهود

در آیین یهود برای جنایت قتل گاهی مجازات‌های دیگری نیز پیش بینی شده است. تورات در این مورد مقرر داشته است: هر کس همراه خودش را بدون تصمیم قبلی و به طور ناگهانی و بدون بغض و کینه قبلی مضروب کند، یا کسی که با رفیقش به صحرا رفته تا هیزم بشکند و تبر را برای شکستن هیزم بالا ببرد ولی آهن تبر از چوب آن جدا شود و به رفیقش برخورد کند و او بمیرد. ضارب به یکی از شهرهای پناهگاه (امن) فرار می‌کند تا در آنجا زندگی کند و ولی دم نمی‌تواند او را دنبال کند. اما هرگاه از روی بغض و کینه نسبت به رفیقش کمین کرده تا او را بزند و به او ضربه کشنده‌ای وارد کند و او بمیرد و سپس ضارب به یکی از شهرهای امن^۳ فرار کند. شیوخ شهر به آن

^۱ الف- هر گاه دو مرد با یکدیگر مخاصمه کنند و هر دو به زن حامله ای صدمه وارد کردند و آن زن حامله سقط جنین کرد، ولی به خود زن آسیبی نرسید، تاوان و غرامتی را شوهر زن معین می‌کند و توسط قضات به زن پرداخت می‌شود. اما اگر آسیب و اذیت و آزاری صورت گرفت در این صورت قصاص حاکم است و جان در برابر جان و ... (خروج، 21: 22-25)

ب- اگر مردی بداند که گاوش شاخ زن است ولی آن را نگاه ندارد و گاو کسی را بکشد در اینصورت صاحب گاو نیز کشته می‌شود مگر اینکه اولیای دم به خونبها رضایت دهند که در اینصورت دیه جانشین مجازات قتل می‌شود. (خروج، 29: 21-30)

^۲ ماده 16 قانون مجازات اسلامی 1392: قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود. ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی 1392: مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

^۳ شهرهای ششگانه امن عبارتند از: (یشوع، 23: 7 و 8)

1- قادش در جلیل

شهر پناهگاه رفته و ضارب را دستگیر کرده و به ولی دم تحویل می‌دهند تا کشته شود: ترجم نکن نفس در مقابل نفس، چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان.... (تثنیه، 19: 4-6) در این صورت قاتل باید مخفیانه و سریع به یکی از شهرهای امن بگریزد. هنگام فرار به شهر امن اگر ولی دم قبل از رسیدن قاتل به آنجا به وی دست یابد او را کشته و خونس هدر است همچنین اگر از شعاع دو هزار ذرعی اطراف شهر امن خارج شود و ولی دم به او دست یابد و او را بکشد خونس هدر است. بنابراین می‌توان استفاده کرد مجازات اصلی قتل در تورات قصاص است و تنها در قتل سهوی تخفیفی به نحو فوق برای قاتل منظور شده است و فرار قاتل و پناهنده شدن به شهرهای امن تنها یک استثناء بر اصل می‌باشد.

بعد از فرار قاتل به شهر امن دادگاهی تشکیل می‌شود و او را غیابی محاکمه می‌کند، دادگاه بعد از بررسی مسأله اگر به این نتیجه رسید که قتل، خطای محض بوده و هیچ عمدی در کار نبوده است، قاتل می‌تواند تا مرگ کاهن اعظم در آن شهر امن اقامت کند. و بعد از مرگ کاهن می‌تواند به سرزمین خود بازگردد اما اگر دادگاه به عمدی بودن قتل حکم داد، قاتل را از شهر امن عودت داده و او را تسلیم ولی دم می‌نمایند تا قصاص شود. (اعداد، 35: 23-28)

شهرهای پناهگاه دو کارکرد دارد الف- پناه‌گیری متهم به قتل، پیش از رسیدگی و اثبات جرم تا از خشم اولیای دم قبل از اثبات جرم در امان باشد. ب- تبعید به شهر پناهگاه پس از آن که دادگاه، قتل را غیرعمدی تشخیص داد. ماهیت کارکرد نخست غیرکیفری و صرفاً اقدامی پیشگیرانه برای حفظ جان متهم است و کارکرد دوم در صورت تشخیص غیرعمدی بودن جرم، هم ماهیت حفظ جان و هم ماهیت کیفری دارد.

2- شکیم در کوهستان افرائیم

3- حبرون در یهودا و گذرگاه اردن

4- باصر در دشت

5- راموت در جلعاد

6- چوالن در باشان

شهرهای پناهگاه طبق بیان موسی شش شهر بودند (اعداد، 13: 35) که موسی خود سه شهر را در شرق اردن مشخص کرد (تثنیه، 43: 4) و یوشع جانشین وی نیز سه شهر دیگر را پس از فتح آن سرزمین به این امر اختصاص داد. (یوشع، 7: 20) علاوه بر شهرهای ششگانه که شهرهای پناه گاه اصلی بودند 42 شهر دیگر نیز که به لاویان از نسل هارون داده شده بودند به این امر اختصاص یافتند. تفاوت شهرهای ششگانه با این شهرها در این بود که قاتل به محض پناه گیری به این شهرها در امان بود ولی در شهرهای دیگر این امر باید درخواست می‌شد. علاوه اینکه اقامت قاتل در آن شش شهر به عنوان یک حق تلقی می‌شد ولی در سایر شهرها باید اجازه پرداخت می‌نمود. (سلیمانی، 1380: 208)

در فقه امامیه ظاهراً بست‌نشینی برای فرار قاتلین مورد پذیرش قرار نگرفته است و تنها یک استثناء وجود دارد آن هم بر اساس ظاهر آیه 97 سوره آل عمران^۱ که با آیه 67 عنکبوت تاکید گشته^۲ و روایات اهل بیت علیهم السلام در ذیل آیه مذکور، به این توضیح که به احترام حرم الهی، هرگاه جانی در خارج از حرم مرتکب جنایت شده و سپس به مکه پناه آورد مادامی که در آنجا است در امان است اما کسی در حرم نباید با وی داد و ستد و مجالست نماید تا از حرم خارج گردد و مجازات وی اعمال گردد لکن اگر جنایت را داخل حرم انجام داده باشد دستگیر شده و حد بر او اقامه می‌گردد زیرا احترام حرم را نگه نداشته است.^۳ در واقع محوریت وضع این حکم، حرمت حرم می‌باشد نه تخفیف در مجازات جانی. در حقوق کیفری نیز مفهوم نزدیکی که در این خصوص وجود دارد همان پناهندگی است که البته در مورد جرائم سیاسی قابل پذیرش بوده و قتل عمدی هیچگاه جرم سیاسی قلمداد نمی‌گردد.

همانطور که گذشت یکی از شرایط اثبات عمدی بودن قتل، احراز قصد مجرمانه قاتل است که تحصیل آن در آیین یهود به این روش بوده است که شاهدان باید قبل از شهادت بر وقوع جرم گواهی می‌دادند که پیش از ارتکاب قتل، اخطار داده‌اند عملی که وی انجام می‌دهد قانوناً جرم بوده و تخطی از این قانون مجازات مرگ را به دنبال خواهد داشت. حال اگر دادگاه متقاعد می‌شد که کسی آگاهانه مرتکب قتل عمدی شده اما به قدر کافی پیامدهای احتمالی این کار به وی گوشزد نشده است وی را به حبس ابد محکوم می‌کرد. (سالتز، 1383، 253)

به نظر می‌رسد قید ((اخطار به جرم بودن و واجد مجازات بودن عمل مرتکب)) برای اثبات قتل عمد به قاتل که در حقوق کیفری یهود بار آن را بر عهده شاهدان گذاشته‌اند، موجه نیست و اضافی می‌باشد زیرا اساساً اصل بر این است که پس از وضع و تصویب قوانین و گذشت زمان مناسب از انتشار، همگی از آن مطلع می‌گردند و عذر جهل به قانون پذیرفته نیست به ویژه در خصوص جرائم مهمی که مجازات‌هایی مانند سلب حیات به دنبال داشته و بسیار بعید است مرتکب از آن بی‌اطلاع باشد نهایت اینکه اگر مرتکب در شرایط خاصی بوده که از آن بی‌خبر مانده بار اثبات آن به عهده وی باید قرار گیرد نه اینکه گواهان موظف به اطلاع‌رسانی گردند مخصوصاً

^۱. فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً، در آن نشانه‌های روشنی است، مقام ابراهیم، هرکس داخل آن شود ایمن خواهد بود.

^۲. او لم یرو انا جعلنا حرماً آمناً و یتخطف الناس من حولهم

^۳. صحیحیه حلبی عن الصادق علیه السلام: اذا احداث العبد فی غیر الحرم جنایه ثم فر الی الحرم لم یسع لاحد ان یاخذه فی الحرم و لکن یمنع من السوق و لایبایع و لایطعم و لایسقی و لایکلم فانه اذا فعل ذلک یوشک ان یخرج فیوخذ و اذا جنی فی الحرم جنایه اقیم علیه الحد فی الحرم لانه لم یرع للحرم حرمة: (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 13، ص 226 و 230)

اینکه در وقوع جرائم غیر قابل پیش بینی چون قتل چه بسا هرگز مجالی برای دادن چنین خطراتی وجود نداشته باشد.

1-2-2- تعزیر و دیه در فقه امامیه

مجازات اصلی و اولیه قتل عمدی در فقه امامیه قصاص نفس است. اما گاهی ممکن است به دلایل متنوعی از جمله رضایت اولیا دم و یا عدم برقراری شرایط اجرای قصاص این مجازات تبدیل به دیه شود.^۱ از طرفی از آنجاکه امروزه حفظ نظم عمومی و جنبه‌ی عمومی جرم در نظام حقوق کیفری حائز اهمیت بسیار زیادی است چنانچه مجازات قصاص اجرا نشود مقنن مجازات تعزیری مشخصی را در این خصوص پیش بینی نموده است.^۲

2- شرایط اجرای مجازات سالب حیات و نحوه‌ی اجرای آن

در حقوق یهودی، قتل عمد به دو قسم مباشر و غیرمباشر تقسیم میشود. صورتیکه عمل مستقیم قاتل موجب مرگ مقتول شده باشد موجب اعدام است و صورتیکه عمل غیرمستقیم قاتل موجب مرگ مقتول شده باشد مجازات اعدام به دنبال نخواهد داشت. لذا اگر کسی دیگری را تا سرحد مرگ گرسنگی دهد یا وی را در معرض گرما و سرما و درندگان قرار دهد و ... عمل وی قتل مستوجب اعدام نیست همچنین قتلی که به وسیله خود آمر و محرک انجام نشده بلکه عامل یا خادم او آن را انجام داده است، همین حکم را دارد. (سلیمانی، 1384: 219) براین اساس اگر یک یهودی به طور غیرمستقیم باعث قتل یهودی دیگر شود به جای افراد بشر، خدا او را مجازات می‌کند. (شاهاک، 1378: 148) این درحالی است که در حقوق کیفری اسلام در مواردی که عدم انجام فعل الزامی مسبوق به فعل مثبت باشد عنصر مادی جرم قتل محسوب می‌شود. (گلدوزیان، 1393: 287) و هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است... و در صورتی که مباشر

^۱ ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی: دیه از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

^۲ ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکلی نداشته یا شاکلی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتیکه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنجسال خواهد بود.

در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب ضامن است. (ماده 526 قانون مجازات اسلامی)

2-1- شرایط مشترک جهت اجرای مجازات سالب حیات در کیش یهود و فقه امامیه

2-1-1- برابری در دین

در عین اینکه در هر دو نظام شرط تساوی دین در امر قصاص مجری است و در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از شرایط اجرای مجازات قصاص برابری در دین می‌باشد.¹ اما تفاوت‌های فاحشی میان این دو نظام حقوقی به چشم می‌خورد که تا حدودی حاکی از نگاه نژادی آیین یهود نسبت به احکام است.

بنابر حقوق یهودی اگر یک یهودی، (به طور مستقیم) غیریهودی را بکشد دادگاه نمی‌تواند او را مجازات کند و چنانچه به طور غیرمستقیم باعث مرگ یک غیریهودی شود، ابداً گناهی مرتکب نشده است. (این قانون حتی در مورد غیریهودی مقیمی که در حضور سه شاهد یهودی متعهد شده که قوانین کتاب مقدس را که برای غیر یهودیان وضع شده است رعایت کند، اجرا می‌گردد). بنابر اصل تلمودی فوق قتل عمد مستقیم غیریهودی، توسط یهودی گناه محسوب شده اما مجازاتی ندارد و قتل عمد غیرمستقیم اساساً گناهی محسوب نمی‌شود تا چه رسد به اینکه مجازاتی داشته باشد. این در حالی است که بنابر مبانی حقوق اسلامی قتل عمد غیرمسلمان توسط مسلمان (به استثناء کافری که با وی در جنگیم) چه به صورت مباشر چه به تسبیب جرم محسوب شده و مرتکب آن مستحق مجازات تعزیر و پرداخت غرامت مالی است. شهید اول در این باره می‌فرماید: لایقتل مسلم بکافر حربیا کان ام ذمیا ولكن یعزر بقتل الذمی و المعاهد و یغرم دیه الذمی، مسلمان در برابر کافر کشته نمی‌شود چه کافر حربی باشد چه ذمی لکن به سبب قتل کافر ذمی و معاهد تعزیر شده و باید دیه وی را پرداخت کند. (شهیدثانی، 1375: 3، 322)

¹ ماده 310 از قانون مجازات اسلامی 1392: هرگاه غیر مسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستامن و معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان اديان، فرقه‌ها و گرایش‌های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستامن و معاهد، بر غیرمسلمانی که ذمی، مستامن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

تبصره ۱- غیرمسلمانانی که ذمی، مستامن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستامن می‌باشند.

تبصره ۲- اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص، مسلمان شود، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محکوم می‌شود.

بنابر حقوق یهودی اساساً کشتن غیریهودی توسط یهودی به طور غیرمستقیم بدون اشکال است مگر اینکه موجب دشمنی غیریهودیان نسبت به یهودیان گردد. شولبان آروخ در این رابطه می‌گوید: یک غیریهودی را نمی‌توان مورد اذیت قرار داد اما اگر فردی به طور غیرمستقیم به یک غیریهودی آسیب برساند اشکالی ندارد مثل برداشتن نردبان پس از آنکه غیریهودی به داخل گودال افتاده باشد چون آسیب رساندن مستقیم انجام نشده است در عین حال این مفسر (یهودی) اشاره می‌کند که هر عملی به‌طور غیرمستقیم منجر به مرگ یک غیریهودی شود چنانچه موجب اشاعه خصومت نسبت به یهودیان گردد، ممنوع است. (شاهاک، 1378: 149)

بر اساس همین اصل تلمودی، اصل دیگری در مقررات یهودی تاسیس شده است با عنوان ((ممنوعیت نجات غیر یهودیان از مرگ)) این مسأله به صورت یک قاعده کلی درآمده است که غیریهودیان نه باید از چاه بیرون آورده شوند و نه به داخل چاه هل داده شوند. ابن‌میمون این اصل را اینگونه توضیح می‌دهد: ما نباید موجب مرگ کسانی شویم که با آنان در جنگ نیستیم اما اگر آنها حتی در آستانه مرگ قرار داشته باشند، نجاتشان ممنوع است. به عنوان مثال اگر ببینیم یکی از آنها در حال غرق شدن در دریا است نباید او را نجات دهیم. درست است که در دستورات داریم تو نباید بگذاری دوستت کشته شود اما یک غیریهودی دوست تو نیست. (شاهاک، 1378: 156) بر همین مبنا، آریاه توریم، بیت یوسف و شالبون آروخ مانند ابن‌میمون قائلند: یک پزشک یهودی اجازه مداوای بیمار غیریهودی را ندارد مگر اینکه فاش شدن امتناع معالجه پزشک یهودی از معالجه غیریهودی، موجب برانگیخته شدن احساسات خصومت‌آمیز غیریهودیان متنفذ و قدرتمند نسبت به یهودیان گردد. (شاهاک، 1378: 157)

به نظر می‌رسد این حکم مبتنی بر نوع دیدگاه برتری نژادی قوم بنی‌اسرائیل بر سایر اقوام و بی‌ارزشی انگاری کرامت نوع انسانی و نگاه ابزاری به سایر بنی‌آدم به عنوان خدمه‌ای جهت رسیدن قومی به اهدافش باشد که با موازین بشر دوستانه و اصول اخلاقی و انسانی سازگاری ندارد در حالیکه در شریعت اسلامی مقرر شده در جایی که جان هم نوعی ولو کافر و غیر مذهب در خطر باشد باید وی را بر استعمال ابزار لازم جهت عبادت مانند آب طهارت لازم برای نماز مقدم نمود و حتی در مواجهه با دشمن باید اصول انسانی و جوانمردانه را رعایت نمود اگرچه موجب تقویت آنها علیه وی شود چنانچه امیرمومنان علی علیه السلام در جنگ با سپاه معاویه آن‌ها را از نوشیدن آب محروم نکرد و مسلم بن عقیل در منزل هانی بن عروه علت عدم قتل این زیاد را حرمت فتک و ممنوعیت ترور در سنت نبوی بیان فرمود. (طبری، بی‌تا، 4: 271) و امام صادق علیه السلام

خطاب به اباصباح فرمود: قد نهی رسول الله عن الفتک یا ابالصباح ان الاسلام قید الفتک^۱، همانا رسول خدا (ص) از ترور و کشتن غافلگیرانه نهی فرموده و اسلام آن را منع کرده و از آن بازداشته است. (طوسی، 10: 246)

2-1-2- تساوی در احترام خون مقتول

یکی از شرایط مشترک قصاص در حقوق جزای دو آیین، محترم بودن خون مقتول است بنابراین اگر مقتول از کسانی باشد که شرع یا قانون مجوز قتل وی را داده باشد و به اصطلاح مهدور الدم باشد با کشتن وی مجازاتی ثابت نمی‌شود. بر این اساس تورات، هر که به طور قانونی محکومان را اعدام کرده است از مسئولیت کیفری معاف می‌کند. (تثنیه، 13: 10 و لویان، 24: 16) و یا در جای دیگر مقرر میدارد: کشتن کسی که شبانه به قصد دزدی در حال تخریب در یا دیوار خانه دیگری است جایز است. (خروج، 22: 1)

در متون فقهی امامیه نیز فقها تصریح کرده اند: از جمله شرایط قصاص، محقون الدم بودن یعنی مباح نبودن خون مقتول است پس هر کس، شرع خون وی را به سبب زنا یا لواط یا کفر ... مباح گرداند قاتل وی در مقابلش کشته نمی‌شود اگرچه این کار را بدون اذن امام انجام دهد، زیرا وی فی الجمله خونش مباح بوده اگرچه مباشرت در قتل وی نیاز به اذن حاکم داشته اما اگر بدون اذن حاکم (به قتل وی مبادرت کند) تنها معصیت کرده است. (شهیدثانی، 1375، 3: 326) اما بر خلاف حقوق کیفری یهود در مورد دفع سارق مجاز به قتل وی نیست مگر در صورتیکه سارق قصد تعرض به جان وی را داشته و مصداق دفاع از نفس باشد و دفع به مراتب کمتر ممکن نباشد.

در نظام حقوق کیفری ایران نیز چنانچه مقتول مستحق کشته شدن باشد این امر تنها زمانی مجاز است که حکم از ناحیه مراجع قضایی صادر شده باشد. البته در موارد تخلف از این امر، قاتل قصاص نشده اما از باب برهم زدن نظم عمومی محکوم به تعزیر می‌گردد.^۲

^۱ الفتک: هو ان یاتی الرجل صاحبه و هو غار غافل فیشد علیه فیقتله (النهاییه) الفتک هر شخصی که فردی را بی خبر و از روی غفلت بکشد (لسان العرب)

^۲ ماده 302 از قانون مجازات اسلامی 1392: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.

ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

2-1-3- تساوی در عقل و شرط بلوغ

از دیگر شرایط مهم اجرای قصاص که خود فروعات متعددی دارد برابری در عقل می‌باشد.

الف) برابری در عقل

یکی از شرایط مشترک مجازات کیفر قتل عمد در هر دو نظام حقوقی، عاقل بودن قاتل است بنابراین اگر قاتل مجنون باشد قصاص نخواهد شد.

از منظر فقه امامیه علت عدم قصاص مجنون در مقابل عاقل، فقدان قصد در مجنون می‌باشد و همچنین روایاتی نظیر صحیحہ محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام است که از قول امیرالمومنین علیه السلام فرمودند جنایت دیوانه چه خطایی باشد چه عمدی باشد بر عهده عاقله او گذاشته شده است. (شهید ثانی، 1375، 3: 360)

از نظر حقوق کیفری یهود، مجنون کسی است که ذهن او به طور دائم پریشان و مختل باشد. تک شیدایان که شب‌ها تک و تنها پرسه می‌زنند، در طول شب در گورستان‌ها می‌مانند، لباس برتن می‌درند و هرچه به آنها داده شود گم می‌کنند و نیز ابلهان که چندان عقب مانده ذهنی‌اند که نمی‌توانند بین موضوعات متضاد تمییز دهند حکم دیوانه را دارند. (سلیمانی، 1384: 208)

در متون حقوقی یهود شرط عقل در ناحیه قاتل لحاظ شده اما چنین شرطی در ناحیه مقتول به چشم نمی‌خورد در حالیکه در حقوق کیفری امامیه این شرط هم در ناحیه قاتل و هم در ناحیه مقتول لحاظ شده است، علت لحاظ آن در ناحیه مقتول را شرافت عقل دانسته‌اند و اینکه نباید عاقل را در مقابل دیوانه کشت.

شهیدثانی می‌فرماید: همانطور که عقل در طرف قاتل معتبر است در طرف مقتول نیز معتبر است بنابراین اگر عاقلی مجنونی را به قتل برساند در مقابل وی کشته نمی‌شود بلکه اگر قتل عمدی یا شبه عمدی بوده باید خود قاتل، دیه مقتول را پرداخت کند و اگر خطائی بوده باید عاقله قاتل دیه مقتول را پرداخت نماید. (شهید ثانی، 1375، 3: 325)

ت - متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (156) این قانون جنایتی بر او وارد شود.
ث - زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.
تبصره 1- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.
تبصره 2- در مورد بند(ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله شرایط اجرای قصاص برابری در عقل می‌باشد و عاقل در برابر مجنون قصاص نمی‌شود.^۱ همانگونه که عقل از شرایط مسئولیت کیفری بوده و در ناحیه قاتل نیز لحاظ شده است.

ب) شرط بلوغ در اجرای قصاص

بنابر نظام حقوقی دو آیین، صغیر به جهت نداشتن مسئولیت کیفری به سبب قتل دیگری قصاص نمی‌شود اگرچه مورد تادیب و اقدامات تامینی و تربیتی قرار می‌گیرد. اما در اینکه پایان سن کودکی چه زمانی است میان دو آیین اختلاف نظر وجود دارد.

از منظر حقوق کیفری یهود کاملاً ثابت و قطعی نیست که دوران کودکی در چه سنی به پایان می‌رسد. اظهار نظرهایی به این مضمون شده که مجازات الهی برای گناهی که در کمتر از بیست سالگی ارتکاب یافته است تحمیل نمی‌شود. از سوی دیگر پسران در سیزده سالگی و دختران در دوازده سالگی به سن عقل می‌رسند. از سویی گفته‌اند در جائیکه آسمان از مجازات (در سن پیش از بیست سال) معاف می‌کند انسان‌ها نیز نباید مجازات کنند و بنابراین باید قول نخست را پذیرفت و از سوی دیگر با وجود مشخص بودن سن عقل (در سن دوازده و سیزده سالگی) دلیل معقولی برای معاف بودن از مسئولیت کیفری در بیش از این سن وجود ندارد و باید قول دوم را پذیرفت. برخی از دانشمندان نیز مقرر داشته‌اند با آنکه انسان‌ها به ترتیب از سیزده و دوازده سالگی دارای مسئولیت کیفری میشوند اما هیچ مجازات اعدامی را نمیتوان پیش از رسیدن به بیست سالگی اعمال کرد. (سلیمانی، 1384: 207 و 208)

این قول تقریباً مشابه همان چیزی است که در قانون مجازات اسلامی 1392 در مورد افراد کمتر از هجده سال مقرر شده است. براساس ماده 147 قانون مجازات اسلامی ایران سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. اما این سن، سن بلوغ جسمانی محسوب شده نه عقلانی لذا باید توجه داشت علاوه بر سن در هنگام ارتکاب جرم، مرتکب باید دارای قوه تمییز و تشخیص هم باشد تا مسئول تلقی شود. بدین ترتیب چنانچه قاضی احراز کند که طفل خاطی علاوه بر بلوغ جسمانی در هنگام ارتکاب جرم دارای قوه تمییز و تشخیص بوده است میتواند نسبت به تعیین مجازات اقدام نماید. در غیر اینصورت با احراز فقدان قوه تمییز کافی برای تحقق مسئولیت، طفل مسئول رفتار خود شناخته نمیشود و به جای مجازات، دادگاه

^۱ ماده 301 از قانون مجازات اسلامی 1392: قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجتبی علیه نباشد و مجتبی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

میتواند کودک را برای تربیت به سرپرست کودک (با اخذ تعهد به تادیب و تربیت) بسپارد و یا به کانون اصلاح و تربیت اعزام نماید. (گلدوزیان، 1393: 178) براین اساس قانون مجازات اسلامی در ماده 91 چنین مقرر داشته است: در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم شناخته شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم میشوند. و به این ترتیب مجازات قصاص و حد را از آنان منتفی مینماید. اما بحث مهم امکان قصاص بالغ در برابر نابالغ است. که در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران چنانچه بالغ مرتکب قتل عمدی نابالغی شود با جمع سایر شرایط محکوم به قصاص می‌گردد.¹ لذا در نظام کیفری ما برابری در بلوغ شرط قصاص محسوب نمی‌شود.

2-2- شرط اختصاصی مجازات قتل در حقوق کیفری یهود و فقه امامیه

هم در کیش یهود و هم در فقه امامیه شرط اختصاصی برای قصاص پیش بینی شده است.

2-2-1- شرط اختصاصی مجازات قتل در حقوق کیفری یهود

از نظر حقوق دانان تلمودی کر و لال مادرزاد مانند دیوانگان فاقد عقل تلقی میشوند و در همه مقتضیات قانون با کودکان یکسان هستند. اما درباره مسئولیت کیفری کوران عقاید مختلفی ابراز داشته‌اند. و سرانجام این قاعده شکل گرفت که کوری در مسئولیت کیفری تاثیری ندارد ولی نابینایی که کسی را به طور غیرعمد می‌کشد از تبعید به شهر پناهگاه معاف است زیرا عمل او نزدیک به اکراه است. توضیح اینکه در نظام حقوقی یهودی مفهوم اکراه بسیار گسترده تر از سایر نظام‌های حقوقی (از جمله اسلام) است. اکراه را در حقوق یهود میتوان تقریباً به پنج دسته تقسیم نمود: 1) اجبار 2) تهدید به مرگ 3) شکنجه 4) فورس ماژور 5) اشتباه موضوعی و ناآگاهی. (سلیمانی، 1384: 207 و 209 و 203)

2-2-2- شرط اختصاصی مجازات قتل در فقه امامیه

بنابر قواعد فقه اسلامی یکی از شرایط قصاص انتفاء ابوت است و پدر در مقابل فرزند کشته نمیشود. علامه حلی می‌فرماید: اگر پدر فرزندش را بکشد قصاص نمی‌شود اما اگر فرزند پدرش را

¹ ماده 304 از قانون مجازات اسلامی 1392: جنایت عمدی نسبت به نابالغ، موجب قصاص است.

بکشد قصاص می‌شود. (حلی، 1369: 553) اما این حکم شامل سایر اقارب نمی‌شود. (نجفی، 1376، 42: 170)

در قوانین کیفری یهود نیز اگرچه والد بودن از موانع قصاص محسوب نمی‌شود اما اهمیت والدین نقش خود را این‌گونه نمایان می‌کند که اهانت و آزار آن‌ها از عوامل مشدده جرم بوده و موجب تشدید مجازات فرزند می‌شود. تورات مقرر می‌دارد: کسی که پدر یا مادرش را بزند و کسی که پدر یا مادرش را دشنام دهد حتما کشته می‌شود. (خروج، 21: 15 و 17)

در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز این امر به تبعیت از فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته است و چنانچه قاتل، پدر یا جد پدری مقتول باشد این امر مانع اجرای قصاص است.¹

3- کیفیت اجرای مجازات قتل عمد

مجازات‌های بدنی در حقوق کیفری یهود عبارت‌اند از: مجازات‌های سالب‌حیات، قصاص عضو، تازیانه و مجازات قطع دست. که تورات برای 36 جرم، مجازات سلب حیات یا همان اعدام را مقرر داشته است. که قتل از جمله این جرائم است. (اعداد، 35: 31)

شیوه‌های مجازات اعدام و چگونگی اجرای هر شیوه در تورات و تلمود متفاوت است. تورات دو شیوه اعدام را به صراحت بیان می‌کند سنگسار و سوزاندن. تلمود چهار شیوه را برای اعدام محکومان به مرگ به رسمیت شناخته این شیوه‌ها به ترتیب شدت عبارت‌اند از: سنگسار، سوزاندن، گردن زدن، و خفه کردن. برخی از دانشمندان ترتیب شدت را چنین می‌دانند سوزاندن، سنگسار، خفه کردن و گردن زدن. با این همه، ترتیب اول به عنوان ملاک شدت پذیرفته شده است، یعنی سنگسار از همه شدیدتر و خفه کردن از همه خفیف تر است. تأکید بر تعیین شدت شیوه‌های اعدام برای حفظ حقوق مجرم و اصل تفسیر به نفع وی است. در تورات در برخی موارد شیوه اجرای مجازات اعدام ذکر شده که همان ملاک عمل است. اما گاهی فقط به ذکر مجازات اعدام بسنده شده است، بی آنکه شیوه ای خاص ذکر شود. در این موارد خفیف‌ترین شکل مجازات اعدام باید مورد حکم قرار گیرد.

عالمات تلمودی دو قاعده را در اجرای مجازات اعدام ملاک عمل قرار داده‌اند و با توجه به این دو قاعده بوده که در چگونگی اجرای این مجازات اصلاحاتی را معمول داشته‌اند:

¹ ماده 301 از قانون مجازات اسلامی: قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی‌علیه نباشد و مجنی‌علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

الف) اصل اخلاقی تورات این است: هم نوعت را چون خودت دوست بدار (لاویان، 19: 18) عالمان تلمودی این قاعده را در جرایم مستوجب اعدام نیز لازم الاجرا می‌دانند. ایشان می‌گویند چنین مجرمی را به این صورت دوست بدار که انسانی‌ترین و به تعبیر تلمود ((زیباترین)) مرگ ممکن را برای او بخواهی.

ب) اعدام باید به میراندن خدا شبیه باشد. همانگونه که وقتی خدا آدمی را می‌میراند ظاهر و شکل بدن سالم و بدون تغییر باقی می‌ماند آنگاه نیز که دادگاه اعدام می‌کند، بدن نباید خراب یا مثله شود.

علی‌ای حال در مورد شیوه مجازات اعدام در خصوص جرم قتل، تورات ساکت بوده و تصریحی ندارد و از سوی دیگر تنها دلیل بر شیوه مجازات قتل به روش گردن زدن، قیاس به انتقام خدا بوده و حال آنکه حجتی در قیاس نیست. به نظر می‌رسد در مورد روش اعدام در مجازات قتل نیز باید براساس تفسیر به نفع بزهکار و رجوع به قواعد اولیه حقوقی یهودی مذکور اقدام نمود یعنی اجرا کردن خفیف‌ترین شکل ممکن اعدام از میان صور چهارگانه، که به تصریح اندیشمندان یهودی روش خفه کردن می‌باشد ضمن اینکه با اجرای این روش، قاعده دوم حقوقی یهودی یعنی سالم و بدون تغییر ماندن بدن نیز با جدا نکردن سر جانی از بدنش، محقق می‌گردد. در هر حال روشی را که تلمودیان از تفسیر تورات برگزیده‌اند همان اعدام با شمشیر است که دقیقاً منطبق با روش برگزیده قصاص در مقررات جزایی اسلام می‌باشد. شیخ طوسی در الخلاف و صاحب مستدرک الوسائل این روایت نبوی را نقل نموده‌اند ((لا قود الا بالسیف، قصاص انجام نمی‌شود مگر با شمشیر)) اگرچه این روایت عامی است و غالب روایاتی که در این مضمون آمده نیز مدارکشان قوی نیست اما وقتی آن‌ها را روی هم می‌گذاریم می‌توانند برای ما مفید اطمینان باشند. البته حصر در این روایات اضافی است و می‌خواهد بگوید جانی را با ابزار و آلاتی که سبب اذیت و آزار بیشتر می‌شود نکشید لذا اگر وسیله‌ای پیدا شود که اخف از سیف است ظاهراً این روایات مانع از آن نمی‌باشند. (1390/10/14 جعفر سبحانی) در نظام کیفری جمهور اسلامی ایران عموماً مجازات قصاص از طریق بدار آویختن محکوم علیه می‌باشد.¹

¹ آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق در ماده 14 و تبصره آن بیان می‌دارد: ماده 14 - اجرای قصاص نفس، قتل و اعدام ممکن است بصورت حلق آویز به چوبه دار و یا شلیک اسلحه آتشین و یا اتصال الکتریسته و با به نحو دیگر به تشخیص قاضی صادر کننده رأی انجام گیرد. تبصره - در صورتی که در حکم صادره نسبت به نحوه و کیفیت اعدام، قصاص نفس و قتل ترتیب خاصی مقرر نشده باشد، محکوم به دار کشیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مطالعه ای که حاصل آن گذشت می‌توان نتایج ذیل را دریافت نمود:

- 1- مجازات کیفر قتل درآیین یهود در واقع منحصر به سلب حیات است و پناه بردن به شهرهای ملجاء به عنوان استثنا بر این اصل است که ممکن است جانی خوش اقبال در قتل غیر عمد بتواند به آن دست یابد. اما درمذهب امامیه بلکه فقه اسلامی با توجه به نوع قتل، مجازات نیز متنوع شده و براساس اصل تناسب مجازات با جرم، برای قتل عمد، کیفر قصاص و برای قتل غیر عمد، دیه تعیین شده است.
- 2- از تفاوت‌های اصلی درشرایط قصاص در حقوق کیفری یهود و فقه امامیه موارد ذیل قابل احصا است:

الف) بر اساس حقوق یهود قتل عمد مباشر، مستوجب مجازات سلب حیات است اما قتل عمد غیر مباشر مستوجب مجازات سلب حیات نخواهد بود در حالی که در فقه امامیه تفاوت میان قتل عمد به صورت مباشر و غیر مباشر نیست و مجازات هر دو صورت، قصاص است.

ب) در حقوق یهودی، قتل غیرمستقیم غیریهودی توسط یهودی جایز بوده و مشمول مجازات نمی‌باشد در حالی که بر اساس فقه امامیه قتل غیرمسلمان توسط مسلمان چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم جرم انگاری شده و مشمول مجازات است.

ج) از منظر فقه امامیه، عاقل دربرابر مجنون قصاص نمی‌شود اما درمتون حقوقی یهود شرط عقل در مقتول لحاظ نشده است و درمقابل درناحیه قاتل، درمعنای مجنون توسعه داده شده و کر و لال مادرزاد را نیز مصداق مجنون دانسته اند.

د) از شرایط اختصاصی فقه امامیه در مقابل حقوق یهود این است که پدر در مقابل فرزند قصاص نمی‌شود اگر چه در حقوق یهودی نیز ضرب و شتم والدین از عوامل مشدد جرم محسوب شده و مستوجب مجازات اعدام است.

- 3- کیفیت اجرای مجازات سالب حیات بنابر دیدگاه مفسرین تلمودی و فقهای امامیه، گردن زدن است. البته فقهای امامیه معمولاً در این نحوه خصوصیتی قائل نبوده و هر راهی که کمترین آزار را به جانی برساند جایز می‌دانند و از طرف دیگر مستنبط از قواعد حقوقی یهودی این است که نحوه مجازات سالب حیات در شریعت یهود روش خفه کردن می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

کتاب:

- کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید)، ترجمه قدیم، انتشارات ایلام، چاپ سوم، 2002م.
- تورات، مترجم، ماشا ... رحمان پورداود و موسی زرگری، بی جا، شرکت چاپ و انتشارات علمی، چاپ اول، 1364ش.
- حلی، ابومنصور حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، 1372ق.
- حلی، ابومنصور حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت، موسسه فقه الشیعہ، 1369ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ترجمه علیرضا سعید، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ هفتم، 1394ش.
- سالتز، آدین اشتاین، سیری در تلمود، مترجم باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1383ش.
- سیوری، مقداد بن عبد ...، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه، 1385ش.
- سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1384ش.
- شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود آیین یهود (سابقه‌ی سه هزار ساله)، مترجم رضا آستانه‌پرست، تهران، نشر قطره، چاپ چهارم، 1394ش.
- شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، 1375ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، قم، منشورات کتابفروشی ارومیه، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1364ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب رازی، فروع کافی، ترجمه گروه مترجمان، قم، انتشارات قدس، چاپ چهارم، 1393ش.
- کهن، راب، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول، 1382ش.
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، 1393ش.
- مرتضوی، سیدفتاح، شرح قانون مجازات اسلامی (مبانی فقهی)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، 1381ش.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، 1376ش.

مقالات:

سلیمانی، حسین، ادله اثبات دعوی کیفری در آئین یهود، هفت آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)، سال اول، دوره اول، شماره 1، صص 65-88، بهار 1378.

سلیمانی، حسین، مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود، هفت آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)، سال سوم، دوره سوم، شماره 9، صص 203-242، تابستان 1380.

غفوری نژاد، محمود و مرضیه رسولخانی شهنائی، مقایسه تطبیقی مجازات در متون یهود و اسلام، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، شماره 1، صص 131-161.

سایت: درس خارج آیت ... شیخ جعفر سبحانی، کتاب حدود و تعزیرات، 1390/10/14
www.eshia.ir/fegh/archive/text/sobhani/feqh.